

بررسی وجوه تشابه و تمایز المیزان و الفرقان

طاهره مختاری پور

چکیده

صحیح‌ترین روش در روش‌های تفسیری، تفسیر قرآن به قرآن است که از زمان ائمه (ع) مورد توجه بوده و بعد از ایشان نیز طرفداران بسیاری داشته است.

اینکه بعضی از مفسران این روش را دنبال کرده‌اند و تفسیرهایشان چه ویژگی‌هایی داشته است مورد بررسی قرار گرفته اما مقایسه بین دو تفسیر با بررسی وجه تشابه و اختلاف کمتر دیده شده است. بنابراین این سوال مطرح می‌شود که بین دو روش تفسیری مشابه، اختلاف دیده می‌شود یا نه و اگر اختلافی هست ریشه آن در کجاست؟

در این تحقیق به مقایسه دو تفسیر «المیزان» و «الفرقان» پرداخته شده است که هر دو از روش قرآن به قرآن استفاده کرده‌اند، اما در آنها اختلافاتی دیده می‌شود.

به عنوان مثال در مواردی مثل سیاق این دو تفسیر کاملاً در مقابل هم قرار گرفته‌اند. برای روشن‌تر شدن مطالب از سبک الفرقان به نظرات جدید و نادر مفسر در زمینه فقه الاحکام پرداخته شده و در مورد سبک المیزان به بررسی ویژگی‌های مهم تفسیر و استفاده از سیاق به عنوان ابزار کار تفسیر قرآن به قرآن اشاره شده است.

روش تحقیق براساس جمع‌آوری اطلاعات، روش مطالعه‌ای اسنادی و کتابخانه‌ای است و ضمن مراجعه به دو کتاب تفسیر به کتاب‌های دیگر مراجعه شده است.

یکی از دستاوردهای تحقیق این است که نویسنده الفرقان روایت قوی مخالف با ظواهر قرآن را قبول ندارد و طبق مباحث خود حکم‌های شاذ و نادری را ارائه کرده، اما علامه طباطبایی (ره) روایات قوی را در تفسیر می‌پذیرد و هرگز در صدد نفی از روش و اعتبار قول معصوم (ع) در زمینه تفسیر نبوده است.

مقدمه

قرآن کریم با واژه‌هایی چون نور، تبیان، کتاب مبین خود را معرفی می‌کند و این ویژگی‌ها حاکی از روشن بودن معانی و قابل فهم بودن محتوای این کتاب آسمانی است.

بی‌تردید متقن‌ترین منبع برای تبیین و تفسیر قرآن، خود قرآن است، زیرا قرآنی که خود تبیان همه چیز است به طریق اولی تبیان خودش نیز خواهد بود. به همین جهت است که بعضی از مفسران روش تفسیر قرآن را پیش گرفته‌اند.

البته نخستین کسانی که به تفسیر قرآن به قرآن پرداختند پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) هستند که به وسیله آیاتی از برخی آیات دیگر رفع ابهام نمودند.

از ابن عباس و دیگر مفسران نیز مشاهده می‌شود که گاهی در تفسیر آیه‌ای از دیگر آیات کمک می‌گرفتند. در قرن هشتم ابن تیمیه این روش را به عنوان بهترین روش می‌پذیرد و بعد از آن تفسیر ده جلدی «حقائق التأویل» سید شریف رضی، تفسیر قرآن به قرآن بوده و بعد از حدود چهارده قرن علامه طباطبایی (ره) این شیوه را احیا می‌کند. بعد از ایشان کسانی این روش را در پیش گرفتند همچون آیت‌الله دکتر محمد صادقی^۱ تهرانی که در تفسیر «الفرقان» از روش قرآن به قرآن استفاده کرده و با اینکه شباهت‌هایی با «المیزان» دارد ولی تفاوت‌هایی هم در آن مشاهده می‌شود. یکی از این تفاوت‌ها این است که مفسر «الفرقان» از روایاتی استفاده کرده که با ظواهر قرآن سازگار باشد و حتی از روایات قوی مخالف با ظواهر قرآن پرهیز کرده از این رو در زمینه فقه، احکام شاذ و نادری از ایشان مشاهده می‌شود. در این تحقیق سعی شده به تفاوت‌های این دو تفسیر اشاره شود و برای همین در چند مسئله فقهی مطالبی ارائه شده است به عنوان نمونه در مورد مسئله نماز مسافر از نگرش «الفرقان» در مورد عدم قصر نماز مسافر صحبت به میان آمده و از تفسیر المیزان نیز مطالبی در آن ارائه شده است. در مورد شباهت این دو تفسیر از گرایش علمی و پرهیز از اسرائیلیات و نگرش منفی دو مفسر نسبت به آن سخن به میان آمده است.

روش تفسیر قرآن به قرآن

این شیوه تفسیری عبارت است از توضیح و کشف آیه‌ای به وسیله آیات هم‌لفظ و هم‌محتوا، توضیح اینکه تا آنجا که آیات می‌تواند روشنگر آیه‌ای باشد نوبت به دیگر منابع نمی‌رسد. آغاز و چشم‌انداز تفسیر آیه باید آیات قرآن باشد نه اینکه زمینه فهم آیه را از آغاز با شأن نزول آماده نموده و پس از آن به سراغ آیات برویم. بلکه زمینه فهم آیات را باید از خود آیات فراهم نمود. دانشمندان زیادی طرفدار این روش هستند که از آن جمله می‌توان از «ابن تیمی»، «ابن کثیر»، «بدرالدین زرکشی»، «علامه طباطبایی»، «محمدجواد بلاغی صاحب تفسیر آلاء الرحمان»، «دکتر صادقی صاحب الفرقان»، «محمدامین مالکی» و ... نام برد.^۱

پیشینه روش تفسیر قرآن به قرآن

البته این روش تفسیری از زمان ائمه (ع) بوده است و از روایات به دست می‌آید که امامان معصوم (ع) به وسیله آیات قرآن از برخی آیات دیگر رفع ابهام می‌کردند.

مثلاً در مورد نماز مسافر که واجب است شکسته باشد، امام (ع) دلیل می‌آورند به آیه شریفه: **وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحُ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ.**

و آیه ۱۵۸ سوره بقره که: **إِنَّ الصَّلَاةَ وَالْمَرْوَةَ مِنَ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ ...** استفاده می‌کنند که در این آیه از کلمه جناح معنای وجوب استفاده می‌شود. پس همان‌طور که از «لا جناح» وجوب استفاده می‌شود فلیس علیکم جناح نیز دلالت بر وجوب دارد.

تفسیر قرآن به قرآن در صورتی صحیح است که وقتی در آیه‌ای ابهام وجود دارد با بررسی آیات دیگر که متناسب با آن آیه است چه تناسب لفظی باشد چه معنوی ابهام برطرف گردد.

معرفی چند تفسیر قرآن به قرآن

۱. تفسیر «*أضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن*»

تألیف محمدا مین بن محمد مختار مالکی شنقیطی که از دانشمندان سنی مذهب، با تفکر اشعری است. و درست است که روش را قرآن به قرآن دانسته ولی چندان استفاده‌ای از آن نکرده است.

۲. تفسیر «*القرآنی للقرآن*»

اثر عبدالکریم خطیب از مفسران سنی در قرن ۱۴.

۳. تفسیر «*المیزان فی تفسیر القرآن*»

تألیف علامه طباطبایی (رحمة الله) که هم تفسیر **ترتیبی** است و هم تفسیر موضوعی

۴. تفسیر «*الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة*»^۲

تألیف دکتر محمد صادقی تهرانی که شباهت‌هایی با تفسیر *المیزان* دارد ولی تفاوت‌های زیادی هم در آن مشاهده می‌شود. و در این تفسیر در قسمت احکام نیز از آیات قرآن استفاده شده، برای همین از نظر فقهی احکام شاذ و نادری در آن دیده می‌شود، مثل: حرمت کاستن از نماز و ترک روزه در سفر که از جانب ایشان مطرح شده است.^۳ در این تحقیق دو تفسیر *المیزان* و *الفرقان* از نظر سبک نگارش بررسی می‌شود و مقداری هم در مورد اسباب النزول در دو تفسیر و استفاده این دو مفسر از اسباب النزول مطالبی ارائه می‌شود که امید است مورد استفاده قرار گیرد.

معرفی تفسیر «*الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة*»

مؤلف عالی‌قدر آن آیت‌الله دکتر محمد صادقی تهرانی یکی از اعیان فقهی، تحقیقی و تفسیری قرآن مجید در قرن چهاردهم هجری است. مؤلف از اعلام مبارز روحانیت است که سال‌ها پیش با آغاز دروس حوزوی، شروع به مطالعه قرآن و تفسیر آن کرده و حدود نیم قرن تلاش در این راه داشته است.

تفسیر او سلسله درس‌هایی است که برای طلاب علوم دینی در حوزه علمیه نجف و قم عرضه شده. ایشان قبل از انقلاب اسلامی از شر حکومت طاغوت به نجف اشرف پناهنده گردید و در اثر تباری حکومت عراق و ایران در آن سال‌ها ناچار به لبنان مهاجرت کرد.

در آنجا ۵ سال مشغول بررسی‌های قرآنی بوده، سپس در بحران جنگ لبنان و اسرائیل به مکه مهاجرت نموده و ۱۰ سال در مکه به القای دروس قرآنی پرداخته و بعد زندانی شده است و پس از استخلاص دوباره به لبنان مراجعت و در لحظه‌های پیروزی انقلاب به ایران بازگشته و در حوزه علمیه قم اقامت جسته است و حدود سی سال تمام در قرآن کار کرده که محصول آن ۳۰ جلد تفسیر *الفرقان* به زبان عربی می‌باشد.

این تفسیر مجموعاً در حدود ۱۷۰۰۰ صفحه وزیری می‌باشد که به تدریج در لبنان، عراق و ایران به چاپ رسیده و پایان تألیف آن ۱۳۹۷ هـ.ق است.^۴

تألیفات ایشان متجاوز از ۱۰۰ اثر است که ۸۲ تای آن عربی و بقیه فارسی است که از جمله می‌توان به این کتاب‌ها اشاره کرد.

۱) *التفسیر الموضوعی بین الكتاب والسنة ۲۲ مجلداً*

۲) الفقه المقارن بين الكتاب والسنة ۱ مجلدات

۳) حوار بين الالهيين والماديين

۴) مقارنات الفقهية

۵) نماز مسافر با وسایل امروزی^۵

۶) قضاوت از دیدگاه کتاب و سنت

۷) بشارات عهدین

معرفی مؤلف تفسیر «المیزان فی تفسیر القرآن»

مؤلف آن سید محمدحسین طباطبایی از سلسله سادات قاضی مشهور در آذربایجان و به طباطبایی مشهور شده‌اند. علامه طباطبایی در علوم جامع بین علم و عمل بودند و در علوم ریاضی، اعداد و حساب جُمَّل و جبر و مقابله و هندسه - در علوم غریبه در رمل و جفر (که البته عمل نکردند) در ادبیات عرب و معانی و بیان و بدیع در فقه و اصول و ... استاد بودند.

اما معارف الهیه و اخلاق را نزد مرحوم قاضی (قدس سره) آموختند و به ایشان شیفتگی خاصی داشتند. ایشان در کودکی پدر و مادر را از دست داده و در نجف به تحصیل مشغول شدند. ده سال در یکی از روستاهای تبریز مشغول کشاورزی بوده‌اند. بعداً به قم مهاجرت نموده و ۳۵ سال در حوزه به تدریس و تألیف مشغول بوده‌اند و در نجف و قم، در تفسیر و فلسفه به تحصیل و تدریس مشغول بوده‌اند.

در مورد روش تفسیری ایشان در *المیزان* می‌توان از سخنان استاد جوادی آملی بهره گرفت که می‌فرمایند:

مرحوم علامه تمام ظاهر قرآن را می‌دانستند و سیری طولانی و عمیق در سنت داشتند.

در علوم نقلی مانند فقه و اصول صاحب‌نظر بودند و به همه محکومات قرآن آشنا بودند.

آشنا با مبانی عرفان و خطوط کلی کشف و اقسام گوناگون شهود بودند.

در تشخیص مفهوم از مصداق کارآزموده بودند و تفسیر را با تطبیق خلط نمی‌کردند.

تنزل قرآن را به طور تجلی می‌دانستند نه به تجافی لذا اختلاف طولی آن را مد نظر داشته و هر یک را در رتبه خاص خویش قرار می‌دادند.

معارف دینی را جزء ماورای طبیعت می‌دانستند لذا آنها را منزه از احکام ماده و حرکت دانسته، افزونی و کاهش را در حریم آنها روا نمی‌دیدند.^۶

با توجه به سخنان آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله معرفت در کتاب *تفسیر و مفسران* روشن می‌شود که علامه با شناخت عمیقی که داشتند و با فطرت پاکشان در وصول به حقایق تالی تلو معصوم بوده‌اند.

از آثار می‌توان به کتاب‌های *شعبه در اسلام* که به زبان انگلیسی ترجمه شده است و *اصول فلسفه و روش رئالیسم* در ۵ جلد - *حاشیه بر کفایه* - *نهایه الحکمه* - *بدایه الحکمه* - رساله‌هایی در اثبات ذات - صفات - افعال - وسائط - قوه و فعل - مشتقات - برهان - **مفالطه** - مکالمات بین دو مکاتبات - معنویت تشیع - وحی یا شعور رموز و ... اشاره کرد.^۷

سبک تفسیر الفرقان

عنوان تفسیر چنین می‌نماید یک مفسر از دو سبک قرآن به قرآن و تفسیر قرآن با سنت سود برده است. اما در مقدمه اظهار می‌دارد که بهترین روش تفسیری، تفسیر قرآن به قرآن است. وی بر این باور است که: همه شیوه‌های تفسیری نادرست است، جز شیوه تفسیر قرآن به قرآن و این همان شیوه تفسیر پیامبر(ص) و امامان(ع) است. بر مفسران لازم است که این روش تفسیری را از معلمان معصوم فرا گیرند و در تفسیر آیات به کار بندند.

شاخص‌های ویژه سبک الفرقان و مقایسه آن با تفسیر المیزان

۱) شیوه نگارش

نویسنده با بهره‌گیری از صناعت تضمین، سجع و با استفاده گسترده از مصدرهای صناعتی، شیوه جدیدی را پیش گرفته است که در تفاسیر موجود مانند آن دیده نمی‌شود.

۲) بهره‌گیری از ظرفیت مفهومی واژه‌ها

پدیده دیگری که در سبک مفسر به صورت کاملاً برجسته رخ می‌نماید می‌توان گفت از ویژگی‌های این تفسیر به شمار می‌آید، بهره‌گیری از ظرفیت مفهومی واژه‌هاست.

در این مورد مفسر الفرقان سعی کرده مفاهیم واژه‌ها را بدون هر گونه محدودیتی و با همان گستردگی که در خود کلمه وجود دارد، به عنوان پایه و سرآغاز تفسیر خود قرار دهد.

به عنوان نمونه به نکته‌های تازه‌ای که در مورد برخی آیات اشاره کرده‌اند می‌پردازیم.

در مورد آیه: **إِنَّ يَوْمَ الْفُصْلِ كَانَ مِيقَاتًا** (نبا، ۱۷/۷۸)، می‌نویسد:

این جدایی و انداختن اختلافات، فاصله افتادن بین اختلاف‌کنندگان، جدا شدن دوستان و نزدیکان و بریدن از آرزوها و اعمال جدا شدن حق از باطل و حق‌گرا از باطل‌گرا و بالاخره آشکار شدن هر گونه امر مبهم و ناشناخته را شامل می‌شود.^۸

یا در مورد تفسیر کلمه نبا در آیه ۱: **عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ**، که بیشتر مفسران به آن اشاره می‌کنند و آن را به مورد مشخصی تفسیر می‌کنند. ایشان براساس سبک ویژه خود مفهوم آن را از جنس خبر می‌داند و واقعیت‌هایی چون توحید، نبوت، معاد، قرآن و پیامبر و روایت اهل بیت(ع) را از نمونه‌های آن به شمار می‌آورد. در صورتی که «المیزان» در این مورد «نبا عظیم» را در مورد خبر قیامت می‌داند و بقیه موارد مثل قرآن و ... را رد می‌کند چون آن را با سیاق آیات متناسب نمی‌بیند.

۳) دقت در واژه‌ها و تعبیرها

مفسر در کشف زوایای جدید مفهوم آیه و نشان دادن تصویر نو از محتوای آن بهره زیاد برده است. به عنوان نمونه ذیل

آیه: **وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ** (بقره ۱۳/۲)

با طرح این سؤال که چرا فرمود: «کما آمن الناس» و نفرمود: «کما آمن المؤمنون» در پاسخ می‌نویسد:

شاید علت این باشد که آنچه اکنون از آنها خواسته می‌شود، کمترین درجه ایمان است. به اندازه‌ای که آنها را از

کفر و نفاق خارج کند. در ردیف سایر مردم که دارای عقل و درک هستند قرار دهد.^۹

۴) استفاده گسترده از روایات

ویژگی دیگر تفسیر این است که همراه با سبک قرآن با قرآن از روایات به صورت گسترده بهره برده است و مهم‌ترین محورهایی که استفاده از روایات در آن صورت گرفته، تأیید تفسیر آیه و گسترش ابعاد آیه است، گرچه در موارد دیگری مانند شأن نزول نیز به روایات استفاده شده است.

۵) بحث فقهی استدلالی

این تفسیر به فقه الاحکام به صورت مبسوط و استدلالی پرداخته و معتقد است که اگر آیات الاحکام مورد بحث قرار نگیرد، از آنجا که در فقه نیز به گونه‌ای بایسته از آن بحث نمی‌شود، در بحث آیات الاحکام، همیشه تفسیر باقی می‌ماند و این کار نتایج زیانباری در فقه به وجود می‌آورد.

۶) گستردگی منابع

در تفسیر *الفرقان* تعدد منابع مورد استفاده بسیار است. طبق بررسی در جلد‌های تفسیر این نتایج به دست آمده است:

منابع روایی: حدود ۸۰ مأخذ روایی

منابع تفسیری: بیش از ۲۵ تفسیر

منابع لغوی: کتاب‌های لغوی بسیار همچون لسان العرب، قاموس، مصباح

منابع پراکنده: بالغ بر ۶۰ کتاب و مقاله در زمینه‌های مختلف

۷) استفاده از عهدین با زبان عبری

استفاده از متون عبری عهدین در تفسیر *الفرقان* یکی دیگر از شاخصه‌های این تفسیر است.

نقل این متون در راستای دو هدف کلی صورت گرفته: یکی تأیید مفاهیم و گزارش‌های قرآنی و دیگر نقل تحریف‌های موجود در عهدین.

که البته در این مورد «تفسیر المیزان» نیز به نقل تحریف‌های موجود در عهدین می‌پردازد.

۸) نظرات جدید یا نادر در فقه الاحکام

مفسر در زمینه‌های گوناگون به‌ویژه فقه الاحکام به نظریات جدید و نادری رسیده است. به عنوان نمونه مفسر تمام آیاتی را که علم را در بستر زمان به خدا نسبت می‌دهد مانند: «علم الله - يعلم الله» به معنی آگاهی نمی‌داند، بلکه از ریشه علامت و به معنی علامت زدن می‌گیرد و معتقد است که اگر به معنی علم و آگاهی بود، باید به دو مفعول متعدی می‌شد، در حالی که در تمام آیاتی که این واژه به کار رفته، فعل به یک مفعول متعدی شده است. این نشان می‌دهد که واژه‌های یاد شده از مصدر علم نیست بلکه از مصدر علامت است.^{۱۰} و در بحث عصمت پیامبران، نظریه سومی را در قبال دو نظریه معصوم بودن و معصوم نبودن پیامبران انتخاب کرده که درخور درنگ است.

وی معتقد است که نبوت به عنوان عهد الهی در انبیای اولوالعزم، مستلزم عصمت آنان است. اما دیگر پیامبران، مانند آدم(ع) مستلزم عصمت نیست. بنابراین انجام معصیت از آنان، خلاف انتظار نمی‌باشد.^{۱۱}

در مورد موضوع خلق و امر و ماده و مجرد معتقد است که موجود مجرد تنها خداست و هیچ موجود دیگری جز او حتی ملائکه مجرد نیستند، بلکه یا ماده‌اند یا نیروی مادی.

که البته «مفسر المیزان» در این مورد، در تفسیر «روح» روح را از «امر» و «امر» را از مقوله «خواستن و شدن» می‌داند.

در مورد قصر یا عدم قصر نماز مسافر نیز ایشان نظر قابل توجهی دارد که به تفصیل به آن می‌پردازیم.
مفسر الفرقان در مورد آیه: إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ
الَّذِينَ كَفَرُوا (نساء، ۱۰۱/۴) می‌فرماید:

در اینجا می‌بینیم که آیه «ضربتم» است نه «سافرتم» و این نشان می‌دهد که سفر لفظ ویژه‌ای برای خود دارد ولی «ضربتم فی الارض» فقط زدنی در زمین با پیمودنی سخت و دشوار است چه در جنگ، چنانکه آیه مورد بحث هم در مورد جنگ است و چه در مورد کار دشوار مثل تجارت، بنابراین «ضربتم فی الارض» در اختصاص سفر نیست و محور حکم قصر در این آیه کاری خطرناک و جانکاه است.

اما «فلیس علیکم جناح» پس گناهی بر شما نیست. پاسخگوی کسانی است که بر پایه اهمیت نماز گمان می‌کردند حتی به هنگام خطر هجوم دشمن و مانند آن نیز بایستی نماز را بدون کم و کاستی انجام داد. گرچه جانشان هم در خطر باشد. در حالی که در آیه فرمان داده شد که نماز خوف بخوانند. و بالاخره «ان تقصروا من الصلاة» را با شرط «ان خفتتم» آورده که فقط قصر از کیفیت نماز را دربر دارد. و در آخر آیه «فاذا اطمانتم» به پا داشتن واجبات کیفیتی نماز را از قصر به اتمام برگشت می‌دهد و دیگر هیچ علت یا حکمتی که نماز را کوتاه کند، نمی‌آورد.

حال: اگر «ضربتم فی الارض» به معنای سفر باشد و «الصلاة» هم نمازهای پنج‌گانه بنابراین اختصاص آن به سه نماز از پنج نماز و اختصاص سفر به چهار فرسنگ یا یک روز راه، بی‌مورد است و در صورت خوف نیز هرگز چاره‌اش کاستی از رکعات نماز نیست چون احیاناً مقدار کمی توقف هم جان‌فرساست.

آری کاستی از عدد رکعات نماز هیچ اثری در خوف‌زدایی ندارد که اگر چند لحظه هم در جایی ترسناک توقف کنی، خوف همچنان گریبان‌گیر شماست، ولی اگر فوراً جایگاه نماز را ترک کرده و از کیفیت ایستایی در نماز بکاهی، خطر برطرف می‌شود. اگرچه نمازگزار می‌تواند در حال حرکت و فرار از مکان خوفناک حتی چهل رکعت نماز هم بخواند، زیرا خوف هیچ‌گونه آسیبی به تعداد رکعات نماز وارد نمی‌کند.

با این حال چگونه پذیرفته است که با چند کیلومتر دور شدن از وطن نمازهای چهار رکعتی را باید نصف کرد. و اگر این کار را نکنی نماز باطل و حرام می‌شود. با آنکه صرف سفر نه حرجی دارد و نه ضرری. اگر هم ضرر و خطری وجود داشته باشد، جلوگیری از هیچ خطری با کاستن دو رکعت نماز تحقق نمی‌یابد.^{۱۲}

اما در جواب ایشان باید گفت:

البته آیه درست است که در مورد صلوة در سفر در صورت خوف است و در مورد صلوة در سفر ساکت است. اما قصر صلوة در سفر به امر حضرت پیامبر(ص) و اجماع بین مسلمین از زمان حضرت پیامبر(ص) تا حالا بوده است و احدی از فقهای سنی و شیعه حکم قصر نماز را مخصوص خوف ندانسته‌اند.

در تمام احادیث نماز مسافر که تعداد آنان ۲۲۹ حدیث است قید خوف نشده و در همه آنها موضوع حکم سفر بدون خوف است.

پس می‌توان گفت که طبق روایات نماز مسافر شکسته می‌شود و خواندن نماز کامل در سفر حرام است.

البته در این مورد علامه مفسر «المیزان» نیز می‌فرماید:

قصر در قرآن به معنای شکستن است و این آیه در سیاق وجوب است و مقام آیه مقام تشریح حکم است.

اما در مورد «فلیس علیکم جناح» به روایتی از امام صادق(ع) اشاره می‌شود که از ایشان سؤال کردند شما چطور وجوب را از این آیه استناد می‌کنید؟ آن حضرت با استناد به آیه ۱۰۱ نساء می‌فرماید:

إِنَّ الصَّغَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا، در این آیه از کلمه جناح استفاده شد ولی مراد از آن وجوب است و می‌فرمایند: همان‌طور که از لا جناح وجوب استفاده می‌شود فلیس علیکم جناح نیز دلالت بر وجوب دارد.

سپس علامه استدلال می‌کنند که قصر نماز مسافر طبق روایات صحیح است. پس در اینجا اختلاف مهم تفسیر *المیزان* و *الفرقان* مشاهده می‌شود زیرا در تفسیر *الفرقان* در مورد آیات الاحکام گویی از روایات استفاده نمی‌شود و یا شاید قرآن را کافی می‌دانند. و گویی روایات را در برابر نص قرآن قابل‌نقش نمی‌دانند و به روایات تفسیر ائمه(ع) در تفسیر قرآن به قرآن اذعان دارند، و این یکی از مهم‌ترین وجوه تمایز تفسیر *الفرقان* و *المیزان* است.

۹) سیاق^{۱۳} و تناسب

مفسر *الفرقان* به سیاق آیات توجه چندانی ندارد و در هر آیه یا مجموعه‌ای از آیات مورد بررسی، از سیاق قبل و بعد از آن به عنوان قرینه یا عنصر دخیل، در فهم آیه استفاده نمی‌کند و از این جهت تفسیر *الفرقان* کاملاً در برابر تفسیر *المیزان* قرار دارد که به صورت گسترده از سیاق، برای تفسیر و فهم آیات استفاده کرده است و این یکی دیگر از اختلافات بزرگ تفسیر *المیزان* و *الفرقان* است.

۱۰) گرایش علمی

گرایش علمی به معنی اصل قرار دادن فرضیه‌ها و نظریه‌های علمی در تفسیر براساس آنها، چیزی است که در تفسیر مورد اجتناب بوده و به روشنی در مقدمه «*الفرقان*» تفسیر به رأی شمرده شده که باید از آن اجتناب کرد. مفسر بر این باور است که قرآن برخلاف نظام طبیعت سخن نمی‌گوید اما بیانات قرآن در چنین فرضیه‌هایی به صورت اشاره است و نه تفریح. زیرا شرایط زمان نزول اجازه نمی‌داده است که به واقعیت‌های علمی تصریح شود.^{۱۴}

این چنین برخوردی با نظریه‌های علمی تفسیر *الفرقان* را در گروه تفسیرهای علمی اعتدالی قرار داده است. با وجود این «*الفرقان*» هم از علم سود برده و هم محوریت آن را در مقابل قرآن رد کرده است.

در مورد گرایش علمی تفسیر *المیزان* نیز همچون تفسیر *الفرقان* محوریت علم را در مقابل قرآن رد کرده است.

۱۱) تاریخ داستان‌های پیامبران و اسرائیلیات

در زمینه تاریخ و قصص پیامبران؛ مفسر بر این باور است که نباید پا را فراتر از آنچه آیات طرح کرده است، گذاشت. بر این اساس از اموری چون مکان احقاف، نام‌های اشخاص و نام شجره ممنوع با بی‌توجهی می‌گذرد و نسبت به اسرائیلیات نظر منفی دارد. که البته در این مورد نیز با تفسیر *المیزان* شباهت بسیاری دارد و هر دو مفسر نسبت به اسرائیلیات گرایش منفی دارند که در قسمت‌های بعدی همین مقاله به آن اشاره می‌شود.

۱۲) گرایش شیعی

تفسیر *الفرقان* تفسیر شیعی است ولی از منابع اهل سنت هم استفاده کرده است و در این مورد نیز با تفسیر *المیزان* که گرایش شیعی دارد همانند است.^{۱۵}

حال که با ویژگی‌ها و سبک *الفرقان* آشنا شدیم و در بعضی مسائل آن را با تفسیر *المیزان* مقایسه کردیم، بهتر است با ویژگی‌های تفسیر *المیزان* نیز آشنا شویم تا به تفاوت این دو تفسیر آگاهی بیشتری پیدا کنیم. چون در تفسیر ممکن است در روش مثل هم باشند ولی تفاوت‌های بسیاری نیز در آنها مشاهده می‌شود.

ویژگی‌های تفسیر المیزان

۱. تکیه بر غنای قرآن در تفسیر آیات

از ویژگی‌های تفسیر *المیزان*، استفاده از روش تفسیر قرآن به قرآن است. علامه طباطبایی این روش را در تفسیر خود به کار گرفته است. وی برای تفسیر قرآن سه راه را یادآور می‌شود و بهترین راه را تفسیر قرآن به قرآن و تدبر در آیات آن می‌داند.

از دلایل تفسیر قرآن به قرآن، خطابات قرآن کریم است که به عنوان آیات روشنگر مطرح است. علامه در این باره می‌نویسد:

قرآن مجید، کتابی است همگانی و همیشگی همه را مورد خطاب قرار داده، به مقاصد خود ارشاد و هدایت می‌کند و نیز با همه به مقام تحدی و احتجاج می‌آید و خود را نور روشن‌کننده و بیان‌کننده همه چیز معرفی می‌کند و البته چنین چیزی در روشن شدن خود نباید نیازمند دیگران باشد...
و اگر چنین کلامی در روشن شدن مقاصد خود، حاجت به چیزی دیگر یا کس دیگر داشت، این حجت تمام نبود.^{۱۶}

در راستای نکته یاد شده، علامه طباطبایی به این نتیجه رسیده است که قرآن، خود باید بیانگر خویش و روشنگر حق باشد. و این روش را تفسیر واقعی قرآن دانسته است و می‌نویسد:

تفسیر واقعی قرآن، تفسیری است که از تدبیر آیات و استعداد در آیه به آیات مربوطه دیگر به دست آید. به عبارت دیگر، در تفسیر آیات قرآنی یکی از سه راه را در پیش داریم:

- ۱) تفسیر آیه به تنهایی با مقدمات علمی و غیرعلمی که در نزد خود داریم.
- ۲) تفسیر آیه به کمک روایتی که در ذیل آیه از معصوم (ع) رسیده.
- ۳) تفسیر آیه با استعداد از تدبیر و استنتاج معنی آیه از مجموع آیات مربوط و استفاده از روایت در مورد امکان. طریق سوم، همان روشی است که پیغمبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) در تعلیمات خود به آن اشاره فرمودند. طریق اول، قابل اعتماد نیست و در حقیقت از قبیل تفسیر به رأی می‌باشد. مگر در جایی که باید با طریق سوم توافق کند.

طریق دوم، روشی است که علماء تفسیر در صدر اسلام داشته و قرن‌ها رایج و مورد عمل بود و تاکنون در میان اخباریین اهل سنت و شیعه، معمول می‌باشد، طریقه‌ای است محدود، در برابر نیاز نامحدود...^{۱۷}

۲. نگرشی ناب به قرآن به دور از پیش‌داوری‌های علمی، فلسفی و ...

علامه با تکیه بر روش تفسیری یاد شده در مجال تفسیر سوره و آیات با توجه به موضوع، هدف و سیاق مشترک آیات، آنها را به بحث‌هایی تقسیم کرده و در پی آن، بخشی را به عنوان «بیان آیات» ذکر کرده است و در این زمینه از هرگونه استدلال فلسفی و فرضیه علمی یا مکاشفات عرفانی دوری جسته و تنها به برخی نکته‌های ادبی بسنده کرده و

همت خویش را به فهم آیه در پرتو دیگر آیات معطوف ساخته است، به عنوان مثال در آیه هفتم سوره فاتحه صراط الذین انعمت علیهم ... آمده و ابهام این آیه را با آیه‌ای دیگر پاسخ داده‌اند که: فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ (نساء، ۴ / ۶۹)

۳. توجه به ارتباط مفهومی میان آیات یک سوره

علامه در آغاز تفسیر هر سوره، تلاش می‌کند تا هدف بنیادین سوره و آیات آن را بیان کند و همان گونه که خود در آغاز تفسیر سوره حمد بیان داشته است:

هر یک از قسمت‌های قرآن که به صورت قطعه‌ای مستقل و جداگانه بیان شده و نام سوره را بر خود دارد، دارای نوعی ارتباط و به هم پیوستگی است که در میان دو سوره مختلف و یا اجزاء آنها وجود ندارد و از آنجایی که وحدت و یگانگی یک سخن، بسته به یگانگی هدف و منظوری است که از آن در نظر گرفته شده است، بنابراین هر یک از سوره‌ها هدف و منظور ویژه را دنبال می‌کند.^{۱۸}

۴. نگرش موضوعی به تفسیر آیات در زمینه‌های لازم

مرحوم علامه براساس روش خود از روش موضوعی نیز بهره فراوان برده است و بدین لحاظ می‌توان تفسیر ایشان را تفسیری **تربیتی** و موضوعی دانست. یعنی هر جا که به بحث در زمینه آیه‌ای به تنهایی پرداخته، حق مطالب را ادا کرده و افق‌های تازه‌ای اندیشه به روی ذهن می‌گشاید و همراه با این تلاش، مجموعه‌ای از آیات را مرتب نموده و براساس آن رابطه‌های محتوایی و پیوند مفهومی میان آن آیه‌ها، در اطراف موضوع و ژرفای معنایی آن کارش کرده و به نتایجی درخور درنگ دست می‌یابد.

۵. حذف مباحث زاید و بی‌تأثیر در تفسیر و فهم آیات

نویسنده *المیزان* به مباحث ادبی، اعراب، شکل‌ها و حالت‌های بلاغت، تا بدان اندازه که به فهم آیه و برطرف ساختن پیچیدگی معنایی آن کمک می‌کند، می‌پردازد و چندان انتقادی به نقش این امور در تفسیر ندارد. او در حد نیاز از منابع لغت و تفسیر استفاده کرده و از *مجمع البیان طبرسی* و *مفردات* استفاده کرده است. در زمینه ادب و بلاغت از *کشاف زمخشری* نقل سخن بسیار کرده است.

۶. اهتمام به سیاق آیات در فرآیند تفسیر آنها

سیاق به عنوان نشانه‌های لفظی و معنوی تأثیرگذار بر معانی و واژه‌ها و کلیت آیات، در *المیزان* جایگاهی ویژه دارد و مؤلف از این امر در زمینه‌های گوناگون تفسیری بهره برده است.

در مواردی برای کشف معانی آیات و روشن شدن معنای واژه‌ها و پذیرش یا ردّ روایات و نقد و بررسی گفته‌ها و نظریه‌های مفسران، از سیاق استفاده می‌کند.

در بازشناسی آیات مکی و مدنی بر سیاق تکیه می‌کند و بر پایه سیاق و نیز تناسب مفهومی آیات با رخدادهای مکه یا مدینه، حکم به مدنی یا مکی بودن می‌کند.

۷. ارزش‌گذاری برای عقل در فهم معارف قرآن

از ویژگی‌های آشکار *المیزان*، تکیه بر عقل در تفسیر است. علامه با یادآوری اینکه قرآن به تعقل و اندیشه و کاربرد روش‌های عقلی بایسته فرا می‌خواند، لزوم اندیشیدن درباره حقیقت را نتیجه گرفته است. وی موضعی سرسختانه و به شدت انتقادی در برابر اسرائیلیات و خرافه‌های اهل کتاب که در متون تفسیری، انتقادی و تاریخی، جسته است، دارد.

۸. بهره‌وری از روایات به دور از افراط و تفریط

علامه قرآن را به عنوان معیاری در شناسایی و بیان معارف می‌داند و بر آن است که حجت بودن سخن پیامبر(ص) و امامان(ع) باید از قرآن فهمیده شود. بنابراین هنگامی به سنت استفاده می‌جوید که یقین آورده باشد و آن دسته از خبر واحدهایی که به صدور آنها اطمینان هست، ولی نشانه‌های یقینی به همراه ندارند، از نظر وی تنها در احکام عملی حجت هستند و در غیر احکام عملی تنها می‌توانند، به عنوان تأکیدکننده گزاره‌های آیه، مورد استفاده قرار گیرند. این همه در صورتی است که روایت‌های یاد شده، همساز با معانی آیه باشند، وگرنه به کناری نهاده می‌شوند.

۹. اهتمام به یادکرد دیگر مفسران و نقد آنها

نویسنده *المیزان* به آراء و اقوال مفسران توجه ویژه دارد. وی در میان مفسران از آموزه‌های تفسیری عالمانی چون طبری، دیاشی، فرات کوفی، علی بن ابراهیم قمی، نعمانی، فیض، بحرانی، حویزی، استفاده کرده و از زمره عالمان سنی دیدگاه‌های مفسرانی چون زمخشری، رازی، طبری، بیضاوی، سیوطی، شوکانی، آلوسی، عبده، رشیدرضا، طنطاوی و قرطبی را مورد بررسی قرار داده و با نگرشی نقادانه به دیدگاه‌های ایشان پرداخته است. ایشان با همه ارج نهادن به تلاش‌های تفسیری صحابه و تابعین که به دلیل نزدیک بودن به زمان و مکان و شرایط نزول وحی از آراء دیدگاه‌های شفاف‌تری نسبت به دیگر مفسران برخوردار هستند، با مطلق انگاشتن و چشم فرو بستن بر روی ناهمسازی‌های نظری آنان با تفسیر آیات، موافق نیست.

۱۰. طرح مباحث اجتماعی، تاریخی، فلسفی ...

دیگر ویژگی *المیزان*، ورود در بحث‌های گوناگون اجتماعی، تاریخی، فلسفی و علمی است که به گونه‌ای مستقل طرح گردیده است و در آن مباحث جدی و مطرح زمان، مورد بحث و بررسی قرار گرفته و با اندیشه‌های اسلامی سنجیده شده است.

با این همه علامه در سربابی که اندیشه‌های بسیاری را مسحور خویش ساخته، گرفتار نیامده است و خواننده *المیزان*، از حاکمیت اصطلاحات علمی و تطبیق قرآن با پیشرفت‌های علوم و نظریه‌پردازی‌های تجربی، در این اثر، نشانی نمی‌بیند، برخلاف تفاسیر که سعی فراوانی در تطبیق و توضیح نظریه‌های تازه علمی با آیه‌های قرآنی داشته‌اند. علامه بر این باور است که:

قرآن برای همه طبقه‌ها و گروه‌ها معجزه است، برای سخن‌سنان از نظر بلاغت، برای حکما از نظر حکمت، برای دانشمندان از نظر جنبه‌های علمی، برای جامعه‌شناسان از نظر جهات اجتماعی، برای قانون‌گذاران از نظر قوانین علیم، برای سیاستمداران از نظر حقوق سیاسی، برای هیئت‌های حاکمه، از نظر شیوه حکومت و سرانجام برای همه جهانیان، از نظر اموری که به آن دسترسی ندارند مانند علوم غیبی و پرهیز از ناهمگونی در سخن‌ها و قانون‌ها.^{۱۹}

با این حال، آن‌گونه که از *المیزان* برمی‌آید، علامه توجه چندانی به نظریه‌های علمی نداشته است و از مفسرانی نیز که روش علمی را گرایش تفسیری خویش ساخته‌اند، دفاع نمی‌کند. هرچند که در مواردی اشاره‌هایی به مباحث علمی را از این جهت که می‌توانند به توضیح معنای آیه سود برسانند، دارد.

^۱ . حسین علوی مهر، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، انتشارات اسوه، ۱۳۸۱.

-
۲. ر.ک: نگرشی جدید بر نماز و روزه مسافران، آیت‌الله محمد صادقی تهرانی، انتشارات امید فردا.
 ۳. ر.ک: روش‌ها و گرایش‌های تفسیری.
 ۴. عقیقی بخشایشی، طبقات مفسران شیعه / ۸۶۵، دفتر نشر نوید اسلام، تابستان ۱۳۸۲.
 ۵. محمد صادقی تهرانی، نگرشی جدید بر نماز و روزه مسافران / ۴۸، انتشارات امید فردا، ۱۳۸۲.
 ۶. علی تاجدینی، یاد و یادگارها / ۱۵، انتشارات پیام نور، ۱۳۶۹.
 ۷. طبقات مفسرین / ۹۱۳ - ۹۱۹.
 ۸. تفسیر الفرقان، ۳ / ۳۲.
 ۹. همان، ۱ / ۳۰۰.
 ۱۰. همان، ۲۷ / ۱۲۹.
 ۱۱. همان، ۱ / ۳۲۴.
 ۱۲. نگرشی جدید بر نماز و روزه مسافران / ۱۲ تا ۱۵.
 ۱۳. سیاق عبارت است از نشانه‌هایی که معنای لفظ مورد نظر را کشف کند و به عنوان ابزار کار روش تفسیر قرآن به قرآن است.
 ۱۴. تفسیر الفرقان، ۱۱ / ۱۷.
 ۱۵. محمدرضا امین، اصول و مبانی تفسیر الفرقان، پژوهش‌های قرآنی، زمستان ۱۳۷۵.
 ۱۶. علامه طباطبایی، قرآن در اسلام / ۷۴، مشهد، انتشارات طلوع، بی‌تا.
 ۱۷. همان / ۷۷.
 ۱۸. المیزان، ۱ / ۴۱.
 ۱۹. همان، ۱ / ۵۷ تا ۶۰.